

عوامل مؤثر بر حفظ تعهد زناشویی در دوره‌های فشار اقتصادی از دیدگاه زنان متأهل ۱

Factors Affecting Marital Commitment Maintenance in Economical Pressure Periods from Married Women's Perspective

Nasim Sheikhi-Fini

M.A. in Family Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Hosein Salimi-Bajestani * Corresponding

Associate Professor of Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

H.salimi.b@gmail.com

Ebrahim Naemi

Assistant Professor of Counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

نسیم شیخی فینی

کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

دکتر حسین سلیمی بجهستانی (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

دکتر ابراهیم نعیمی

استادیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Abstract

The current study intended to identify the factors influencing marital commitment maintenance in economical pressure periods from married women's perspective. In so doing, a qualitative approach and a phenomenological research methodology was employed. The participants included 15 married women living in Bandarabas who were selected through purposive sampling method. The data were collected through semi-structured interviews and were analyzed using Thematic Analysis (TA) technique. The findings showed that the factors maintaining marital commitment can be classified into four main themes: factors related to the nuclear family, factors related to family-of-origin, beliefs-cultural factors, and psychological factors. Factors related to the nuclear family include two subthemes (factors related to couple relationship and child-related factors). Factors related to family-of-origin include two subthemes (performing duties and responsibilities and parenting). Beliefs-cultural factors include three subthemes (religious beliefs, local cultural beliefs, and national cultural beliefs). The psychological factors include five subthemes (emotional factors, factors associated with one's perception of her husband, attitude factors, communication literacy, and personality factors). The results of the study may be used in the fields of divorce prevention and family consolidation.

Keywords: *economic crisis, Marital Commitment, marital relationships, family.*

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی در دوره‌های فشار اقتصادی از دیدگاه زنان متأهل بود. بدین منظور، از رویکرد کیفی با روش پدیدارشناسی استفاده شد. میدان پژوهش شامل ۱۵ زن متأهل شهر بندرعباس بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته جمع‌آوری گردید و از طریق روش تحلیل مضمون تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد عوامل مؤثر بر حفظ تعهد زناشویی چهار مضمون اصلی را تشکیل می‌دهند: عوامل مربوط به خانواده هسته‌ای، عوامل مربوط به خانواده اصلی، عوامل اعتقادی-فرهنگی و عوامل روان‌شناختی. عوامل مربوط به خانواده هسته‌ای شامل دو مضمون فرعی (عوامل مربوط به رابطه‌ی زوجین و عوامل مربوط به فرزند)، عوامل مربوط به خانواده اصلی شامل دو مضمون فرعی (انجام وظایف و مسئولیت‌پذیری و فرزندپروری)، عوامل اعتقادی-فرهنگی شامل سه مضمون فرعی (باورهای مذهبی، باورهای برخاسته از فرهنگ محلی، باورهای فرهنگ ملی)، عوامل روان‌شناختی شامل پنج مضمون فرعی (عوامل عاطفی، عوامل مربوط به ادراک فرد از طرف مقابل، عوامل نگرشی، سواد ارتباطی و عوامل شخصیتی) بودند. این یافته‌ها می‌تواند در حوزه پیشگیری از طلاق و تحکیم خانواده مورد استفاده قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: بحران اقتصادی، تعهد زناشویی، روابط زناشویی، خانواده.

ویرایش نهایی: آبان ۹۹

پذیرش: تیر ۹۹

دریافت: خرداد ۹۹

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

خانواده مهم‌ترین بنیاد جامعه است که در نتیجه‌ی تعامل با سایر اعضا، افراد در آن رشد کرده و وارد جامعه می‌شوند. با توجه به این نکته استحکام جامعه که بنایی عظیم است، کاملاً وابسته به استواری ستون‌های آن یعنی خانواده است. امروزه مسائل اخلاقی، بحران‌های

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول مقاله است.

عاطفی، و درهم‌تنیدگی در روابط، خانواده را به شدت با نگرانی روبرو کرده و هرگونه اختلال عملکرد در خانواده موجب به وجود آمدن مسائل اجتماعی و فروریختن ارکان جامعه می‌شود. از این رو، مطالعه در حوزه خانواده مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (خدایاری فرد، زندی، حاج حسینی و غباری بناب، ۱۳۹۵؛ زاهدی و نازک‌تبار، ۱۳۹۳؛ حاج حسینی، زندی و ثانی‌نژاد، ۱۳۹۶؛ اسلام‌زاده، اسماعیلی و کاظمیان، ۱۳۹۶؛ اشرفی، قیومی و عامری شهبابی، ۱۳۹۸).

تعهد زناشویی لازمه پایداری ازدواج است. در کلیه جوامع، ازدواج بر پایه قراردادی انجام می‌گیرد که در آن هر دو همسر نسبت به یکدیگر متعهد و وفادار باشند (خدایاری فرد، علوی‌نژاد، سجادی اناری و زندی، ۱۳۹۵). آماتو^۱ (۲۰۰۴) بر این باور است که تعهد زناشویی به این معنی است که زوجین تا چه اندازه برای روابط زناشویی خود ارزش قائل هستند و چه مقدار برای حفظ و تداوم ازدواجشان انگیزه دارند. تعهد در ازدواج چندین جزء دارد: چگونگی درک زن و شوهر از رابطه در گذشته و طول مدت رابطه، انجام دادن رفتارهایی که باعث ادامه زندگی مشترک می‌شود، میزان تمایل زوجین در یک رابطه خوب و عاقلانه و ماندن در این رابطه به مدت طولانی و پاداش گرفتن به دلیل ماندن در رابطه توسط طرفین رابطه (الن و بوکام^۲، ۲۰۰۴). ویژگی اصلی تعهد تمایل به با هم بودن در آینده و داشتن افقی طولانی به رابطه است. تعهد طولانی بر روی رابطه‌ی فردی تأثیر زیادی دارد؛ تعهد موجب می‌شود زوجین رفتارهایی را که به دلیل علاقه‌مندی به رابطه مشترک‌شان است بر رفتارهایی که به دلیل علاقه‌ی به خودشان است ارجح دانسته و برای حفظ رابطه‌ی مشترک‌شان تلاش کنند. لذا زمانی که زوجین اطمینان داشته باشند رابطه‌شان در آینده ادامه خواهد داشت، به احتمال زیاد هر یک از آن‌ها به گونه‌ای رفتار خواهد کرد که منجر به افزایش کیفیت رابطه طولانی‌مدت شود (استنلی، رودس و ویتون^۳، ۲۰۱۰).

در بحران‌های اقتصادی خانواده با چالش‌های بیشتری روبرو می‌شود. پژوهش‌های دیو^۴ (۲۰۰۷)، آرچولتا، بریت، تون و گاربل^۵ (۲۰۱۱)، و الیسون، هاردسون، گلن و هارکریدر^۶ (۲۰۱۱) نشان داده‌اند که مسائل اقتصادی منجر به مشکلات فردی، زوجی و خانوادگی می‌شود. فشار اقتصادی تأثیر جبران‌ناپذیری بر کیفیت رابطه زوجین دارد، لذا تعهد زوجین برای حفظ خانواده از آسیب‌های مسائل اقتصادی از اهمیت برخوردار است (دیو و شیائو^۷، ۲۰۱۳). مشکلات اقتصادی بر رضایت زناشویی تأثیر منفی می‌گذارد و عوامل اقتصادی یکی از عوامل تأثیرگذار بر روی تعهد زوجین است و می‌تواند منجر به مشکلات رابطه زناشویی و زمینه‌ساز جدایی شود (استاورت، دیو و لی^۸، ۲۰۱۷). استرس ناشی از مشکلات مالی اغلب پریشانی روانی ایجاد می‌کند و می‌تواند منجر به فرزندپروری ضعیف و آسیب به رابطه زوجین شود و این تأثیر منفی استرس زوجین بر روی فرزندپروری و همچنین بر سلامت جسمانی و عاطفی زوجین می‌تواند تأثیرگذار باشد (دیو و یورگاسون^۹، ۲۰۱۰). هنگامی که زوجین از نظر اقتصادی تحت فشار هستند مردان رفتار خشونت‌آمیز بیشتری انجام می‌دهند و زنان رفتارهای مثبت کمتری در رابطه نسبت به همسرانشان انجام می‌دهند (اسکارمالا، سهرپرتسون، کوهان و میرابیل^{۱۰}، ۲۰۰۸). فشار اقتصادی اختلاف زوجین را افزایش می‌دهد و از گرمای رابطه زوجین و حمایت همسران می‌کاهد و تأثیر منفی بر روی افسردگی می‌گذارد و در نهایت این عوامل بر روی زوجین تأثیر منفی گذاشته، تعارض‌های زناشویی را افزایش داده و رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد (استاورت و همکاران، ۲۰۱۷). نتایج تحقیق‌های داخل کشور نیز نشان داده است که مشکلات اقتصادی از جمله عوامل مؤثر بر طلاق است (جمشیدی‌ها، نریمانی و جمالی، ۱۳۹۴؛ فلاحی و دلدار، ۱۳۹۵؛ رحیم‌پور، رحیم‌زاده و رحیم‌پور، ۱۳۹۶).

نکته جالب توجه این است که برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که در برخی از زوجین، فشار اقتصادی منجر به افزایش تعهد زناشویی‌شان شده است و تعدیل‌کننده‌هایی را یافته‌اند که به کیفیت بهتر ثبات ازدواج زوجین در زمان مشکلات مالی کمک می‌کند (الیسون و همکاران، ۲۰۱۱). نتایج پژوهش لبارون، کارن، لی، دیو، شارپ و بارنت^{۱۱} (۲۰۲۰) بر روی زوجین کم‌درآمد نیز نشان داده است که در

- 1 . Amato
- 2 . Allen & Baucom
- 3 .Stanley, Rhoades & Whitton
- 4 . Dew
- 5 . Archuleta, Britt, Tonn & Grable
- 6 . Ellison, Henderson, Glenn & Harkrider
- 7 . Dew & Xiao
- 8 . Stewart, Dew & Lee
- 9 . Dew & Yorgason
- 10 .Scaramella, Sohr-Preston, Callahan & Mirabile
- 11 .Lebaron, Curran, Li, Dew, Sharp & Barnett

فشارهای اقتصادی، تعهد زوجین افزایش می‌یابد. در تحقیق آرچلتا و همکاران (۲۰۱۱) مشخص گردید که دینداری و رضایت مالی از تعدیل‌کننده‌های پایداری رابطه زوجین در دوره‌های فشار اقتصادی است. خواسته‌های مالی موجب می‌شود که هریک از زوجین برای به دست آوردن آن خواسته‌ها، در فشار اقتصادی تلاش کنند و در نتیجه منجر به رشد تعهد زوجین در فشار اقتصادی می‌گردد؛ چراکه آن‌ها احساس می‌کنند استرس ناشی از فشار اقتصادی ازدواجشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ لذا برای حفظ ازدواجشان تلاش خواهند کرد و بدین طریق فشار اقتصادی منجر به حفظ و نگهداری از ازدواجشان می‌شود (دیو، لیبارون و السوپ^۱، ۲۰۱۸). از سوی دیگر تحقیقات به عوامل مختلف موثر بر تعهد زناشویی از جمله مهارت‌های زوجی، رفتارهای الگو گرفته از والدین و عوامل ارزشی-اعتقادی (فزلسلو، جزایری، بهرامی و محمدی، ۱۳۹۶)، باورهای فرهنگی (رنجکش، ۱۳۹۵)، گفتگوی صمیمی، تماس و وقت گذراندن زوجین با همدیگر (ناموران گرمی، فرزاد، مرادی و زهراکار، ۱۳۹۷)، دیدگاه عمیق زوجین درباره‌ی ازدواج (صادقی، قادری جاوید و شلانی، ۱۳۹۸)، ویژگی‌های شخصیتی (زرندی، هاشمیان فر و کیان پور، ۱۳۹۶) و مسئولیت‌پذیری (شهریاری پور، نجفی، امین‌بیدختی، رئوفی و مرادی ۱۳۹۶؛ شیخ الاسلامی، خداکریمی و داداش‌زاده، ۱۳۹۶) اشاره کرده‌اند.

با استناد به نتایج تحقیقات فوق می‌توان استدلال کرد که در مورد کیفیت تعهد زناشویی در فشارهای اقتصادی نتایج متناقضی وجود دارد. نتایج برخی از پژوهش‌ها حاکی از آن است که تعهد زوجین نسبت به یکدیگر در فشار اقتصادی ضعیف شده است؛ درحالی‌که نتایج تحقیقات دیگر حاکی از آن است که فشار اقتصادی منجر به رشد تعهد زوجین و تحکیم رابطه آن‌ها شده است و احتمال دارد که این تناقض برآمده از ویژگی‌ها و رویکردهای اختصاصی زوج‌ها در مقابله با فشارهای اقتصادی باشد. از سوی دیگر، تحقیقاتی که در ایران انجام شده است کمتر به تأثیر عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی در دوره فشارهای اقتصادی پرداخته‌اند و این موضوع تاحدودی نادیده گرفته شده است. لذا هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل مؤثر بر تعهد زوجین در بحران فشار اقتصادی بود.

روش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی انجام پذیرفت. میدان پژوهش شامل ۱۵ زن متأهل شهر بندرعباس در سال ۱۳۹۸ بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند از زنان متأهلی که مایل به شرکت در مطالعه بودند و به اظهار خودشان فشار اقتصادی را احساس می‌کردند، انتخاب گردیدند. اطلاعات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در تحقیق در جدول (۱) آمده است. روش اجرای تحقیق بدین‌صورت بود که ابتدا اطلاعیه‌ای جهت دعوت به مشارکت در پژوهش تدوین گردید، که در آن موضوع و هدف پژوهش و شماره تماس نوشته شده بود و در فضای مجازی اطلاع‌رسانی شد. سپس از میان شرکت‌کنندگانی که مایل به مصاحبه بودند در صورت دارا بودن ملاک‌های ورود به پژوهش و رضایت کامل ۱۵ نفر انتخاب شدند. سپس، در مورد مکان و زمان مصاحبه با شرکت‌کنندگان هماهنگی به عمل آمد و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کلیه آن‌ها انجام پذیرفت. مصاحبه‌ها به‌صورت میانگین ۴۰ دقیقه به طول انجامید و صوت مصاحبه‌ها ضبط شده و سپس به‌صورت لفظ به لفظ پیاده گردید. در نهایت داده‌ها کدگذاری شده و با روش تحلیل مضمون تحلیل شدند. بدین صورت که ابتدا محقق با داده‌ها آشنا گردید و مفاهیم را استخراج نمود، سپس مفاهیم را مطالعه کرده و به قسمت‌های قابل فهم تبدیل کرده و مضامین فرعی را تدوین نموده و در انتها کدها را در سطح کلان‌تر ترکیب و تلفیق نموده و مضامین اصلی را ایجاد نمود. در این پژوهش، اطلاعات مصاحبه‌شوندگان بدون ذکر نام و نام خانوادگی استفاده شد؛ رضایت آگاهانه از افراد گرفته شد؛ افراد با آگاهی و دریافت توضیحاتی در مورد پژوهش به مصاحبه رضایت دادند؛ در مورد محرمانه بودن اطلاعات به مصاحبه‌شوندگان اطمینان داده شد؛ و مصاحبه‌شوندگان آزاد بودند در صورت تمایل هر زمان که تمایل داشتند از فرآیند پژوهش خارج شوند.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سن	وضعیت شغلی	سن	وضعیت شغلی	مدت	تعداد	وضعیت اقتصادی خانواده
	زن	زن	مرد	مرد	ازدواج	فرزند	
۱	۲۶	خانه‌دار	۲۶	شغل آزاد	۳	۰	ضعیف
۲	۳۰	شغل دولتی	۳۵	شغل آزاد	۶	۱	خوب
۳	۴۰	شغل دولتی	۴۰	شغل دولتی	۱۹	۲	خوب

ردیف	سن زن	وضعیت شغلی زن	سن مرد	وضعیت شغلی مرد	مدت ازدواج	تعداد فرزند	وضعیت اقتصادی خانواده
۴	۴۹	شغل دولتی	۵۳	شغل دولتی	۲۵	۳	متوسط
۵	۳۱	شغل دولتی	۳۲	شغل دولتی	۵	۱	متوسط
۶	۳۸	شغل دولتی	۴۰	شغل دولتی	۳	۰	ضعیف
۷	۳۸	شغل دولتی	۳۸	شغل آزاد	۱۲	۱	خوب
۸	۴۴	شغل دولتی	۴۰	شغل دولتی	۲۰	۱	متوسط
۹	۳۸	شغل دولتی	۴۱	شغل دولتی	۲۰	۳	متوسط
۱۰	۳۴	شغل دولتی	۳۴	شغل دولتی	۶	۲	ضعیف
۱۱	۲۴	شغل آزاد	۳۰	شغل آزاد	۴	۰	متوسط
۱۲	۲۵	خانه‌دار	۲۸	شغل آزاد	۳	۰	ضعیف
۱۳	۲۳	خانه‌دار	۳۲	شغل دولتی	۳	۰	متوسط
۱۴	۲۶	شغل آزاد	۳۰	شغل آزاد	۶	۰	ضعیف
۱۵	۵۹	خانه‌دار	۶۰	شغل آزاد	۳۶	۳	متوسط

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر در جدول (۲) آمده است. در پاسخ به سؤال پژوهش (عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی در زمان فشارهای اقتصادی از دیدگاه زنان متأهل چیست؟)، نتایج تحلیل مضمون از قرار زیر بود (جدول ۲).

جدول ۲- نتایج تحلیل مضمون عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی در دوره فشارهای اقتصادی

مضمون‌های اصلی	مضمون‌های فرعی	مفاهیم
عوامل مربوط به خانواده هسته‌ای	عوامل مربوط به رابطه‌ی زوجین	پذیرش و آگاهی از شرایط اقتصادی همسر قبل از ازدواج اطمینان نسبت به همسر به‌واسطه‌ی شناخت قبل از ازدواج دستیابی به استقلال فردی به‌واسطه‌ی ازدواج درک متقابل
عوامل مربوط به خانواده اصلی	انجام وظایف و مسئولیت‌پذیری	اولویت بودن همسر و توجه به خواسته‌های یکدیگر تلاش زوجین برای حفظ خانواده در چالش‌های اقتصادی اطمینان از پایداری زندگی به‌واسطه‌ی وجود فرزندان یادگیری انجام وظایف زن‌شوهری از خانواده اصلی یادگیری مسئولیت‌پذیری از خانواده اصلی
عوامل اعتقادی-فرهنگی	سبک فرزندپروری باورهای مذهبی	سبک فرزندپروری و آموزش تعهد به فرزندان حفظ چارچوب اخلاقی رابطه زناشویی بازدارندگی اعتقادات مذهبی
	باورها برخاسته از فرهنگ محلی	پابندی به اعمال مذهبی به‌عنوان یک محرک افزایش تعهد امیدواری به آینده به‌واسطه‌ی اعتقادات مذهبی سبک زندگی مذهبی و سازشگری در رابطه زناشویی اهمیت عفاف در تعهد زناشویی
		اختصاص زمان به خانواده اولویت در نظر گرفتن خانواده هسته‌ای

تعاملات خوب خانواده هسته‌ای با خانواده اصلی	
باورهای فرهنگی ملی	باور فرهنگی
عوامل عاطفی	عشق و علاقه اولیه و توجه به بعد عاطفی فرد نسبت به همسرش
عوامل مربوط به ادراک فرد از طرف مقابل	ادراک از صداقت در رابطه
	ادراک از عشق همسر نسبت به خود
	ادراک از توجه همسر به خود
	ادراک از قابل اطمینان بودن همسر
	ادراک از تعهد همسر
	ادراک از حمایت
عوامل نگرشی	نوع نگرش فرد نسبت به تعهد
	اعتقاد به حل دو نفره مسائل زندگی
	نادیده گرفتن خواسته‌های فردی برای دستیابی به خواسته‌های مشترک
	اولویت قرار دادن ویژگی‌های مثبت شخصیت همسر نسبت به وضعیت اقتصادی و کنترل افکار متزلزل کننده
سواد ارتباطی	رابطه خوب زوجین
	زمان گذاشتن برای یکدیگر
	مهارت صحبت کردن
	هدیه دادن
	دوست داشتن
	تماس تلفنی و جویا شدن احوال همسر
	اخلاق خوب
عوامل شخصیتی	پشتکار
	صبوری
	انعطاف پذیری فردی

همانطور که در جدول ۲ مشخص است، نتایج تحلیل مضمون نشان داد که عوامل موثر بر تعهد زناشویی زوجین در فشارهای اقتصادی در چهار مضمون اصلی قابل طبقه‌بندی است. مضامین اصلی عبارت‌اند از: عوامل مربوط به خانواده هسته‌ای، عوامل مربوط به خانواده اصلی، عوامل فرهنگی-اعتقادی و عوامل روان‌شناختی. معرفی هر یک از این مضامین به همراه مضامین فرعی زیرمجموعه آن‌ها در زیر آمده است.

۱- عوامل مربوط به خانواده هسته‌ای

عوامل مربوط به خانواده هسته‌ای شامل عوامل مربوط به زوجین و عوامل مربوط به فرزند است.

- عوامل مربوط به رابطه‌ی زوجین

عوامل مربوط به رابطه‌ی زوجین به پاداش‌ها و سودمندی‌هایی که زوجین به واسطه ماندن در رابطه‌ی زناشویی‌شان به دست می‌آورند اشاره دارد. به عنوان نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان (خانم ۲۴ساله) اظهار کرد:

«من و شوهرم هردو قبل از ازدواج دلمون می‌خواست مستقل بشیم و توی ایران تا تو ازدواج نکنی واقعاً نمی‌تونستی مستقل بشی؛ آره شاید این درست نباشه که تو برای مستقل شدن ازدواج کنی من میدونم این کار اشتباهی هست ولی در ایران، حتی اگه سرکار بری و هرچیز دیگه‌ایی بازم برای مستقل شدن باید ازدواج کنی، ولی توی کشورهای دیگه نه، میرن جدا از خانواده زندگی می‌کنند و مستقل میشن ولی به نظرم توی ایران دلیل اصلی ازدواج کسب استقلاله... من بشخصه میگم شرایط خونه بابام خیلی بهتر از شرایط الانم بود، بالاخره اونجا خونه مال خودمون بود و من اصلاً مسئولیتی نداشتم و غذایی نمی‌پختم و اینا. بیشتر اون مستقل شدنه دلیل ازدواجم بود و الان من میتونم هر تصمیمی رو برای خودم بگیرم و هرکاری که می‌کنم خودم اراده کردم و اینو ترجیح میدم به قبل از ازدواجم یعنی اختیارم دست خودمه و شوهرم هم همین‌طور و این یعنی دیگه تو بالغ شدی و این به نظرم مهمه.»

- عوامل مربوط به فرزند

عوامل مربوط به فرزند به تاثیر وجود فرزندان در تقویت تعهد زناشویی اشاره دارد. به‌عنوان نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان (خانم ۴۰ساله) اظهار کرد:

«شاید باورتون نشه سال اول زندگیمون می‌دیدم همسر من از شدت فشار اقتصادی نصف شب با یه ترسی از خواب بیدار می‌شد و من بهش می‌گفتم که چی شده؟ می‌گفت یک‌لحظه احساس کردم که تو پیشم نیستی و می‌ترسم که یک روز تو منو تنها بزاری و بری و همچین استرسی داشت تا اینکه بچه‌دار شدیم و مطمئن شد از زندگیش».

۲- عوامل مربوط به خانواده اصلی

عوامل مربوط به خانواده اصلی شامل انجام وظایف و مسئولیت‌پذیری و سبک فرزندپروری است.

- انجام وظایف و مسئولیت‌پذیری

انجام وظایف و مسئولیت‌پذیری به آموزه‌های یادگرفته‌شده در حیطه‌ی انجام وظایف و مسئولیت‌پذیری در زندگی زناشویی است، که زوجین از والدینشان دریافت کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، یکی از مشارکت‌کنندگان (خانم ۳۰ساله) اظهار داشت:

«هرکس وظایف خودش رو حداقل درست انجام بده مثلاً من اگه اول از همه بتونم یه زن خوب باشم، بتونم توی رابطه زناشویی موفق باشم بعد اینکه بتونم یه مادر خوب باشم و بتونم یک زن خانه‌دار خوب باشم و همسر من بهم کمک کنه توی کارهام و اینکه پدر خوب باشه برای بچه‌مون و فقط این جور نباشه که من فقط بخوام بچه رو بزرگ کنم و اینکه مسئولیت‌پذیر باشه، این خیلی مهمه یعنی اینکه بیشتر مسئولیت‌های کارهای بیرون از خونه رو به من نسپاره چون اون خودش کار داره».

- سبک فرزندپروری

سبک فرزندپروری به چگونگی تربیت فرزندان و آموزش تعهد به فرزندان توسط والدین اشاره داد. به‌عنوان نمونه، یکی از مشارکت‌کنندگان (خانم ۵۹ساله) اظهار کرد:

«تربیت خانوادگی خیلی مهمه یعنی اینکه از کودکی چجوری بچه‌ها رو متعهد بار بیاریم در هر زمینه‌ای و در هر موقعیتی از کودکی تعهد نسبت به درس، نسبت به مدرسه تا که برسه تعهد به همسر و ازدواج، درهرصورت متعهد بودن چیزی نیست که یک‌شبه شکل بگیره و باید از کودکی به بچه‌ها آموزش داد و برای همین این مهمه که فرزند در چه خانواده‌ای بزرگ شده، رفتار پدر و مادر باهم چجوری بوده، در شرایط سخت چجوری از هم حمایت کردند و چه کارهایی رو انجام دادند که بچه‌هاشون بتونند یاد بگیرند و در آینده بتونند همسر موفق باشن».

۳- عوامل فرهنگی-اعتقادی

عوامل فرهنگی-اعتقادی شامل باورهای مذهبی، باورهای برخاسته از فرهنگ، و باورهای فرهنگ ملی است.

- باورهای مذهبی

باورهای مذهبی به باورهایی اشاره دارد که افراد به‌واسطه آموزه‌های دینی و مذهبی‌شان نسبت به تعهد دارند. به‌عنوان نمونه، یکی از مشارکت‌کنندگان (خانم ۲۶ساله) اظهار کرد:

«من وقتی می‌بینم که همسر من یه چیزی میتونه انقدر پایبند باشه، به خدا، به دین و انجام وظایف مذهبی‌اش مثل نماز و روزه، خب این برای من خیلی امیدوارکننده‌اس که پس پایبند بودن انگار کلا جزء رفتارشه و نهادینه‌شده براش، پس توی زندگی هم میتونه اینو به خوبی انجام بده، چون یه جای دیگه اینکارو کرده قبلاً و الانم میتونه توی رابطه زناشویی پایبند باشه».

- باورهای برخاسته از فرهنگ محلی

باورهای برخاسته از فرهنگ به باورهای فرهنگی مرتبط با ارتباط زوجین با خانواده و وظایف متقابل خانواده و زوجین نسبت به همدیگر اشاره دارد. به‌عنوان نمونه، یکی از مشارکت‌کنندگان (خانم ۳۸ساله) اظهار کرد:

«من خیلی اهل این نیستم که با دوست و رفیق برم، یعنی من خودم بشخصه می‌گم بعضی از روزهای هفته مخصوص خانواده هست یعنی پنجشنبه، جمعه‌ها مخصوص خانواده هست و اینو همیشه به شوهرم گفتم که مثلاً در طول هفته از شنبه تا چهارشنبه آدم بره هر کاری که داره رو انجام بده ولی پنجشنبه و جمعه کلاً روز خانواده هست، یعنی باید درکنار خانواده باشیم».

- باورهای فرهنگ ملی

باورهای فرهنگ ملی به تاثیر ضرب‌المثل‌های فرهنگ ایرانی در حیطه خانواده، ازدواج و رابطه زوجین اشاره دارد. به‌عنوان نمونه یکی از مشارکت‌کنندگان (خانم ۳۰ساله) اظهار کرد:

«از قدیم گفتن شما باید با لباس سفید بری خونه بخت و با کفن برگردی و من به این اعتقاد دارم».

۴- عوامل روان‌شناختی

عوامل روان‌شناختی به عوامل عاطفی، عوامل مربوط به ادراک فرد از طرف مقابل، عوامل نگرشی، سواد ارتباطی و عوامل شخصیتی اشاره دارد.

- عوامل عاطفی

عوامل عاطفی به توجه به احساسات و بعد عاطفی همسر اشاره دارد. به‌عنوان نمونه، یکی از مشارکت‌کنندگان (خانم ۳۸ساله) اظهار کرد:

«مسلماً دو نفر که خیلی خوب همدیگر رو درک می‌کنند این شرایط اقتصادی رو هم درک می‌کنند و حتماً یک خلاء عاطفی اون وسط وجود داره که فشار اقتصادی باعث میشه تشدید بشه، یعنی ریشه جدایی اون خلاء عاطفی هست».

- عوامل مربوط به ادراک فرد از طرف مقابل

عوامل مربوط به ادراک فرد از طرف مقابل به ادراک از تعهد، حمایت کردن، توجه همسر نسبت به خود، قابل‌اطمینان بودن همسر، صداقت در رابطه زناشویی و عشق همسر نسبت به خود است. به‌عنوان نمونه، یکی از مشارکت‌کنندگان (خانم ۳۱ساله) اظهار کرد:

«شوهرم کارهایی که باعث ناراحتی من میشه رو انجام نمیده و رعایت می‌کنه، نوع برخوردش، نوع رفتارش، بیرون رفتنش، دوست‌هایی که داره آدم‌های مشخص و درستی هستند و روابطش با دوست‌های دوران مجردیش کنترل شده است و تفریحات شوهرم مشخصه یعنی کاری که باعث ایجاد حساسیت من نسبت به اون بشه رو انجام نداده و به خاطر همین من از بابت شوهرم اطمینان دارم».

- عوامل نگرشی

عوامل نگرشی به نوع نگرش و دیدگاه فرد نسبت به متعهد ماندن در رابطه زناشویی در چالش‌های اقتصادی زندگی اشاره دارد. به‌عنوان نمونه، یکی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش (خانم ۲۵ساله) اظهار کرد:

«همسرم خیلی ویژگی‌های مثبت دیگه‌ای داره که با در نظر گرفتن اون ویژگی‌ها شرایط اقتصادی بد همسرم قابل‌چشم‌پوشی هست و مسئله‌ای نیست که به خاطرش بخوام اون رو اذیت کنم یا خودم رو اذیت کنم و یا بخوام رابطه‌مون رو تموم کنم و میدونم که همسرم چون کاری هست، شرایط این‌جور باقی نخواهد ماند و برای همین ازین جهت نگرانی ندارم».

- سواد ارتباطی

سواد ارتباطی به ارتباط گرم و صمیمی و مهارت چگونگی صحبت کردن و ارتباطات کلامی و غیرکلامی واضح و روشن زوجین در رابطه زناشویی‌شان اشاره دارد. به‌عنوان نمونه، یکی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش (خانم ۳۱ساله) اظهار کرد:

«زن و شوهر باید راجع به شرایط اقتصادی باهم صحبت کنند، مثلاً مرد باید بگه من مشکل دارم و راجع به مشکلاتش صحبت کنه و زن هم بتونه درکش کنه و بدونه که بیرون خونه چه خبره و بفهمه که چی داره به مرد می‌گذره در محل کارش، اینجوری بهتر میتونه درکش کنه تا اینکه مرد حرفی نزنه و حالا فشار اقتصادی هم هست و زن به چیزهایی که می‌خواه نمیرسه و بعد دیگه دو طرف کم میارن یعنی زن به خواسته‌هاش نرسیده و از اون طرف مرد هم نتونسته خواسته‌های زنش رو برآورده کنه و خیلی مهمه حرف زدن راجع به مشکلات و از اون طرف درک کردن».

- عوامل شخصیتی

عوامل شخصیتی به ویژگی‌ها و خصوصیت‌های منحصر‌به‌فرد زوجین در رابطه زناشویی‌شان اشاره دارد. به‌عنوان نمونه، یکی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش (خانم ۳۰ساله) اظهار کرد:

«من معمولاً زنی هستم که در فشار اقتصادی خیلی صبر می‌کنم و سعی می‌کنم شرایط رو کنترل کنم و حالا مثلاً اگه چیزی رو بخوام بخرم و پولش رو نداشته باشم صبر می‌کنم و حالا اینجوری نیست که صددرصد فشار بیارم و بگم که من اینو حتماً می‌خوام و بیشتر صبر می‌کنم تا زمانش برسه یا قیمت اون چیز بیاد پایین‌تر و اگه نشد پولم جمع‌تر بشه».

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی در دوره فشارهای اقتصادی انجام گرفت. نتایج تحلیل مضمون نشان داد که عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی زوجین در فشارهای اقتصادی در چهار مضمون اصلی قابل طبقه‌بندی است که عبارت‌اند از: عوامل مربوط به خانواده هسته‌ای، عوامل مربوط به خانواده اصلی، عوامل فرهنگی-اعتقادی و عوامل روان‌شناختی. عوامل مربوط به خانواده هسته‌ای شامل دو مضمون فرعی (عوامل مربوط به رابطه‌ی زوجین و عوامل مربوط به فرزند)، عوامل مربوط به خانواده اصلی شامل دو مضمون فرعی (انجام وظایف و مسئولیت‌پذیری و فرزندپروری)، عوامل اعتقادی-فرهنگی شامل سه مضمون فرعی (باورهای مذهبی، باورهای برخاسته از فرهنگ محلی، باورهای فرهنگ ملی)، عوامل روان‌شناختی شامل پنج مضمون فرعی (عوامل عاطفی، عوامل مربوط به ادراک فرد از طرف مقابل، عوامل نگرشی، سواد ارتباطی و عوامل شخصیتی) بودند.

اولین یافته این پژوهش عوامل مربوط به خانواده هسته‌ای بود، که شامل عوامل مربوط به رابطه‌ی زوجین و عوامل مربوط به فرزند است. عوامل مربوط به رابطه‌ی زوجین به پاداش‌ها و سودمندی‌هایی که زوجین به واسطه‌ی ماندن در رابطه زناشویی‌شان بدست می‌آورند اشاره دارد. این یافته با نتایج پژوهش قزلسقلو و همکاران (۱۳۹۶) که در نتایج خود به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش تعهد مستلزم بدست آوردن و داشتن مهارت شایستگی زوجی است همسو است. زوجینی که به واسطه ازدواج استقلال فردی کسب کرده‌اند، این قضیه را به‌عنوان پاداش ازدواج نسبت به دوران مجردی دانسته و بر اساس نظریه مبادله اجتماعی جورج هومنز^۱ (۱۹۵۰)، چنانچه بین آن هزینه‌ای که فرد برای ازدواج می‌پردازد و آن چیزی که به واسطه‌ی ازدواج به دست می‌آورد تعادل ایجاد شده باشد، منجر به تعهد زوجین می‌شود (به نقل از سالاری، لادن، سهامی و حقیقی، ۱۳۹۲). از دیگر یافته‌های این پژوهش عوامل مربوط به فرزند است. عوامل مربوط به فرزند به تاثیر وجود فرزندان در تقویت تعهد زناشویی اشاره دارد. این یافته با نتایج پژوهش قزلسقلو و همکاران (۱۳۹۶) مبنی بر اینکه وجود فرزند می‌تواند عاملی بر دلگرمی زوجین برای ادامه دادن زندگی زناشویی باشد همسو است. وجود فرزند می‌تواند منجر به اطمینان فرد از ثبات زندگی شود و بر اساس نظریه ساختاری مینوچین^۲ و همکاران (۱۹۷۵) فرد می‌تواند به واسطه وجود فرزند علیه همسرش ائتلاف کند و او را مقصر مشکلات بداند و از طرفی فرد ممکن است به واسطه‌ی اتحادهای با فرزندش تمایل داشته باشد که در رابطه زناشویی متعهد باقی بماند.

یافته‌ی دیگر عوامل مربوط به خانواده اصلی است که شامل انجام وظایف و مسئولیت‌پذیری و سبک فرزندپروری است. انجام وظایف و مسئولیت‌پذیری، آموزه‌های یادگرفته شده در حیطه‌ی انجام وظایف و مسئولیت‌پذیری در زندگی زناشویی است، که زوجین از والدین‌شان دریافت کرده‌اند. این یافته با نتایج پژوهش قزلسقلو و همکاران (۱۳۹۶) مبنی بر اینکه رفتارهای زوجین در زندگی زناشویی تحت تاثیر رفتارهای الگو گرفته از والدین‌شان است، همسو است. بر اساس نظریه یادگیری شناختی اجتماعی بندورا^۳ (۱۹۷۷) زوجین با مشاهده نقش‌های زنانگی و مردانگی از والدین خود و الگوگیری از آن‌ها انجام وظایف زن‌شوهری را آموخته و در ازدواج آن وظایف را انجام داده که انجام دادن این وظایف به معنای تعهد زوجین تلقی شده است (به نقل از هارینی، سودپرو، رهیا و فچن^۴، ۲۰۱۷). همچنین نتایج یافته‌های شهریاری‌پور و همکاران (۱۳۹۶) و شیخ‌السلامی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند مسئولیت‌پذیری، پیش‌بینی‌کننده تعهد زناشویی است. یافته‌ی دیگر سبک فرزندپروری است که به چگونگی تربیت فرزندان و آموزش تعهد به فرزندان توسط والدین اشاره دارد. این یافته با نتایج پژوهش دیو و بورگاسون (۲۰۱۰) که نشان دادند استرس ناشی از مشکلات مالی می‌تواند منجر به فرزندپروری ضعیف و آسیب به تعهد رابطه زوجین شود، ناهمسو است. جمعیت خانواده‌ها در سال‌های اخیر کم شده است و اغلب تک‌فرزند هستند و به همین دلیل آینده فرزندان برایشان مهم است. در فرهنگ ایرانی، حمایت مالی و عاطفی از فرزندان قبل ازدواج بر عهده والدین بوده و والدین با سبک فرزندپروری در جهت آموزش مهارت‌های لازم جهت عبور از چالش‌های اقتصادی تلاش می‌کنند. در صورتی که در فرهنگ کشورهای غربی از سن ۱۸ سالگی به بعد فرزندان از خانواده مستقل شده و به همین دلیل والدین ضرورتی مبنی بر آموزش چنین مهارت‌هایی را در سبک‌های فرزندپروری لازم ندانسته‌اند. فرد از کودکی با مشاهده رفتار والدینش از تعهدات آن‌ها الگو گرفته و این تعهدات را در کودکی

- 1 . Social exchange theory G. Homans
- 2 . Minuchin
- 3 . Social cognitive learning theory bandura
- 4 . Harinie, Sudiro, Rahayu & Fatchan

نسبت به درس و مدرسه انجام داده و سپس زمانی که ازدواج می‌کند، این نوع الگوی تعهد را نسبت به همسر خود ایفا می‌کند، بنابراین؛ یادگیری تعهد فرآیندی است که از کودکی تا بزرگسالی ادامه دارد.

یافته‌ی دیگر عوامل اعتقادی-فرهنگی است که شامل باورهای مذهبی، باورهای برخاسته از فرهنگ محلی و باورهای فرهنگ ملی است. باورهای مذهبی، به باورهایی که افراد به واسطه آموزه‌های دینی و مذهبی‌شان نسبت به تعهد معتقدند اشاره دارد. این یافته با نتایج پژوهش قزلسقلو و همکاران (۱۳۹۶) همسوست که در پژوهش آنها یکی از مولفه‌هایی که زوج‌ها عنوان برای تعهدشان عنوان می‌کردند شباهت‌های ارزشی-اعتقادی بود. همچنین آرچلتا و همکاران (۲۰۱۱) نیز در نتایج خود نشان دادند که دین‌داری و رضایت مالی از تعدیل‌کننده‌های پایداری رابطه زوجین در فشار اقتصادی است. زوجینی که اعتقادات مذهبی قوی دارند، به نظر می‌رسد اولویت‌ها و اهداف زندگی خود را بر اساس نیازهای دنیوی و مادی تعیین نمی‌کنند، بنابراین؛ معنویت و اعتقاد به جهانی دیگر پس از مرگ و پاداش آخروی می‌تواند موجب افزایش سازش، آرامش روانی و عبور از شرایط سخت در بحران اقتصادی شود.

عامل دیگر باورهای برخاسته از فرهنگ محلی است، که به باورهای فرهنگی مرتبط با ارتباط زوجین با خانواده و وظایف متقابل خانواده و زوجین نسبت به همدیگر اشاره دارد. این یافته با نتایج پژوهش رنجکش (۱۳۹۵) همسوست که در پژوهش خود نشان داد باورهای فرهنگی بر تعهد زناشویی موثر است. باور افراد به اینکه بعضی از ایام هفته مانند روزهای تعطیل مختص به خانواده است، منجر به اختصاص زمان و انرژی بیشتر زوجین به خانواده شده، که این امر منجر به رضایت بیشتر از کیفیت رابطه می‌شود. اولویت در نظر گرفتن خانواده هسته‌ای نیز از دیگر باورهای فرهنگی ما است، که این باور فرهنگی احتمالاً منجر به جلوگیری از درهم‌تنیدگی مرزهای بین خانواده اصلی و خانواده هسته‌ای فرد شده و منجر به تمایز یافتگی بیشتر فرد شده، در نتیجه راه دخالت خانواده اصلی در زندگی زوجین از بین می‌رود. چنانچه تعاملات خوبی بین خانواده هسته‌ای و اصلی برقرار باشد، احتمالاً افراد خانواده احترام بیشتری به یکدیگر می‌گذارند، این امر منجر می‌شود که خانواده اصلی برای حفظ خانواده هسته‌ای تلاش کرده و دخالت نکنند، در نتیجه این اعمال احتمالاً منجر به تحکیم تعهد زوجین در خانواده هسته‌ای خواهد شد.

عامل دیگر باورهای فرهنگ ملی است. این باور به تاثیر نادرست ضرب المثل‌های فرهنگ ایرانی در حیطه‌ی خانواده، ازدواج و رابطه زوجین اشاره دارد. این یافته با نتایج رنجکش (۱۳۹۵) همسو است که نشان داد وجود تفاوت میان زن و مرد زاینده قالب‌های نادرست فرهنگی-اجتماعی است. یکی از باورهای فرهنگی ازدواج زنان، ضرب‌المثل «با لباس سفید ازدواج کردن و با کفن برگشتن» است. این باور فرهنگی منجر می‌شود زنان علی‌رغم ناراضی‌تی از ازدواج، حق و انتخابی برای طلاق و فکر کردن برای جدایی نداشته باشد و به دلیل جبر حاکم در زندگی زناشویی متعهد باشند. در نتیجه اگر زنان بر اساس این باور فرهنگی به زندگی متعهد باقی بمانند، در نهایت به نظر می‌رسد می‌تواند منجر به طلاق عاطفی زوجین شود که آن نیز آسیب‌هایی را به دنبال خواهد داشت.

یافته دیگر عوامل روانشناختی است. این عوامل شامل عوامل عاطفی، عوامل مربوط به ادراک فرد از طرف مقابل، عوامل نگرشی، سواد ارتباطی و عوامل شخصیتی است. عوامل عاطفی به توجه و احساسات و بعد عاطفی همسر اشاره دارد. این یافته با نتایج پژوهش دیو و همکاران (۲۰۱۸) همسوست که نشان دادند حمایت‌های عاطفی زوجین نسبت به یکدیگر در فشار اقتصادی افزایش می‌یابد. بر اساس نظریه برابری^۱ (۱۹۶۰)، تداوم رابطه زناشویی تابع عوامل سوق‌دهنده و نیروهای مانع‌شونده است و یکی از عوامل سوق‌دهنده تداوم رابطه زناشویی عشق و علاقه زوجین است که به‌عنوان پاداش ازدواج است (به نقل از عباسی مولید، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد، عشق و علاقه اولیه زوجین و توجه به بعد عاطفی فرد نسبت به همسرش پاداشی برای ازدواج بوده و عاملی سوق‌دهنده در جهت تحکیم تعهد بوده است. یافته‌ی دیگر عوامل مربوط به ادراک فرد از طرف مقابل است. این یافته به ادراک از قابل اطمینان بودن همسر و صداقت در رابطه زناشویی اشاره دارد. این یافته با نتایج پژوهش استنلی و همکاران (۲۰۱۰) همسو است که نشان دادند زمانی که زوجین نسبت به یکدیگر اطمینان داشته باشند، تعهد زناشویی افزایش خواهد یافت. صداقت و شفاف‌سازی در رابطه زوجین منجر به پیشگیری از سوءظن و اطمینان بیشتر از رابطه می‌شود و در نتیجه آن، احساس رضایت از رابطه بیشتر شده و به نظر می‌رسد منجر به افزایش تعهد زوجین شود.

یافته دیگر عوامل نگرشی است. این عوامل به نوع نگرش و دیدگاه فرد نسبت به تعهد مانند در چالش‌های اقتصادی زندگی اشاره دارد. این یافته با نتایج پژوهش صادقی و همکاران (۱۳۹۸) همسو است که نشان دادند دیدگاه عمیق زوجین درباره‌ی ازدواج منجر به تلاش در جهت حفاظت از زندگی مشترک می‌شود. یافته‌های حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که اعتقاد به حل دونفره مسائل زندگی، منجر می‌شود که هریک از زوجین خود را در برابر مشکلات مسئول بداند و سهم خود را در تلاش برای حل مسائل انجام دهد. این قضیه منجر

به تقسیم شدن فشار مشکلات بر روی زوجین و افزایش همکاری بین آن‌ها شده و همچنین افراد با در نظر گرفتن ویژگی‌های مثبت شخصیتی همسرشان، در چشم‌پوشی از مشکلات اقتصادی تلاش کرده، تا بتوانند تعهد زناشویی‌شان را حفظ کنند. عامل دیگر سواد ارتباطی است. سواد ارتباطی به ارتباط گرم و صمیمی و مهارت ارتباطات کلامی و غیر کلامی در رابطه زناشویی اشاره دارد. این یافته با نتایج پژوهش ناموران‌گرمی و همکاران (۱۳۹۷) همسو است که نشان دادند گفتگوی صمیمی، تماس و وقت گذراندن زوجین با همدیگر موجب نزدیکی بیشتر زوجین می‌شود. بر اساس نظریه ارتباط ستیر^۱، ارتباط مهم‌ترین عاملی است که می‌تواند نحوه رفتار انسان با دیگران و اتفاقاتی که در پیرامون وی رخ می‌دهد را تعیین کند. تعارض زوجین ناشی از اختلافاتی در ارتباطات آنهاست و روش برقرار کردن ارتباط آن‌ها عامل ایجاد درگیری و تعارض می‌شود (به نقل از گلدنبرگ، ۱۳۹۶). خستگی از زندگی زناشویی از پیامدهای ارتباطات سرد و به‌دور از عاطفه زوجین است. سرد بودن و عدم وجود عاطفه موجب بی‌تفاوتی زوجین نسبت به یکدیگر می‌شود و بی‌تفاوتی و بی‌اعتنایی به‌نوعی از دلایل اصلی طلاق تلقی می‌شود. چنانچه زوجین درباره‌ی مشکلات اقتصادی با یکدیگر صحبت کنند؛ بدین‌صورت که مرد راجع به مشکلات مالی خود با همسرش صحبت کند و از طرفی زن هم قادر به درک مسائل مالی شوهرش باشد، بدین‌گونه زن و شوهر می‌توانند به تعهد خود در فشار اقتصادی تحکیم بخشند.

یافته دیگر، عوامل شخصیتی است. این عامل به ویژگی‌ها و خصوصیت‌های منحصربه‌فرد زوجین در رابطه زناشویی اشاره دارد. این یافته با نتایج پژوهش زرنندی و همکاران (۱۳۹۶) همسو است که نشان دادند ویژگی شخصیتی افراد به مثابه شرایط علی تعهد زناشویی است. چنانچه زوجین دارای ویژگی شخصیتی انعطاف‌پذیری در مواجهه با مشکلات باشند قادر به سازگاری در شرایط دشوار خواهند بود. بر اساس نظریه ساختاری مینوچین وقتی ساختار خانواده و زیر نظام‌ها انعطاف کافی دارند تا از عهده‌ی چالش‌های رشدی جاری خانواده برآیند، آن خانواده را کارآمد در نظر می‌گیرند؛ اما وقتی خانواده، نمی‌تواند با شرایط چالش‌آفرین سازگار شود، آن را کارآمد نمی‌دانیم (به نقل از گلدنبرگ، ۱۳۹۶). بنابراین؛ انعطاف‌پذیری فردی یکی از ویژگی‌های شخصیتی افراد است که می‌تواند منجر به تحکیم تعهد زوجین در مشکلات زندگی شود.

در نتیجه، تعهد فرآیندی است که یادگیری آن از کودکی تا بزرگسالی و ازدواج ادامه دارد. در کودکی تعهد توسط آموزش‌های والدین و سبک‌های فرزندپروری آموخته می‌شود و فرد زمانی که ازدواج می‌کند آن تعهد را نسبت به همسر خود ایفا می‌کند. از سوی دیگر، در باورهای فرهنگی و باورهای مذهبی افراد بر اهمیت حفظ خانواده و ازدواج تاکید بسیاری شده که این باورهای فرهنگی و آموزه‌های دینی به زوجین کمک می‌کند که بر چالش‌های ناشی از فشار اقتصادی فائق آمده و تعهد زناشویی‌شان را حفظ کنند. و از طرفی توجه به عوامل روان‌شناختی و سواد ارتباطی و برخی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی افراد به حفظ و تحکیم تعهد آن‌ها در چالش‌های اقتصادی کمک کرده است. شناسایی عوامل تقویت‌کننده تعهد می‌تواند به غنی‌سازی رابطه زوجین و پایداری ازدواج‌ها کمک کند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند در حوزه‌های مشاوره پیش از ازدواج، مشاوره خانواده، تحکیم خانواده و پیشگیری از طلاق استفاده شود. از محدودیت‌های این پژوهش عدم کنترل کافی پژوهشگر نسبت به وانمودهای اجتماعی تعهد زناشویی بود. باتوجه اهمیت نقش عوامل فرهنگی در تعهد زوجین، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی در زمینه نقش ویژه عوامل فرهنگی بر تحکیم تعهد زوجین صورت گیرند.

منابع

- اسلام‌زاده، بابک؛ اسماعیلی، معصومه و کاظمیان، سمیه (۱۳۹۶). تحلیل کیفی بررسی نقش نوسازی جامعه همراه با رسانه‌های مجازی بر ساختار خانواده. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۳۱(۸)، ۱۶۴-۱۳۴.
- اشرفی، زهرا؛ قیومی، عباسعلی و عامری شهرابی، محسن (۱۳۹۸). بررسی تأثیر جهانی‌شدن فرهنگی، در ایجاد تغییرات ساختاری و کارکردی نهاد خانواده (مطالعه موردی: زنان شاغل در شهرداری منطقه ۷ تهران). پژوهش ملل، ۴(۴۲)، ۱۰۷-۱۲۱.
- جمشیدپها، غلامرضا؛ نریمانی، سعید و جمالی، عبدالله (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی اجتماعی طلاق در جامعه شهری ایران (۱۳۸۳-۱۳۹۴). مهندسی فرهنگی، ۱۰(۸۵)، ۱۱-۲۹.
- حاج‌حسینی، منصوره؛ زندی، سعید و ثانی‌نژاد، سعیده (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش گروهی برنامه کاربرد عملی مهارت‌های ارتباط صمیمانه بر رضامندی زناشویی زنان باردار. رویش روان‌شناسی، ۶(۲)، ۲۳۸-۲۲۱.

- خدایاری فرد، محمد؛ زندی، سعید؛ حاج حسینی، منصوره و غباری بناب، باقر (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مبتنی بر مثبت‌اندیشی بر فرآیند خانواده و بهزیستی ذهنی زنان سرپرست خانوار. *خانواده پژوهی*، ۱۲(۴۸)، ۶۱۲-۵۹۳.
- خدایاری فرد، محمد؛ علوی‌نژاد، ثریا؛ سجادی اناری، سعید و زندی، سعید (۱۳۹۵). اثربخشی خانواده درمانی شناختی-رفتاری بر اختلال تنوع‌طلبی جنسی. *رویش روان‌شناسی*، ۱۱(۴)، ۸۵-۱۱۶.
- رحیم‌پور، عدنان؛ رحیم‌زاده، حسین و رحیم‌پور، فلاح (۱۳۹۶). راهکارهای فقه اسلامی پیشگیری از وقوع آسیب‌های اجتماعی طلاق. *فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، ۱۱(۲)، ۲۵۲-۲۲۰.
- رنجکش، محمدجواد (۱۳۹۵). نقد و بررسی تاثیر سرمایه‌داری بین‌المللی بر وضعیت اقتصادی زنان از نگاه نظریه فمینیسم مارکسیستی. *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ۱۱(۱)، ۵۹-۲۹.
- زاهدی، محمدجواد و نازک‌تبار، حسین (۱۳۹۳). نوسازی و دگرگونی‌های بحران‌ساز در خانواده (بررسی مسائل نوین خانواده در نقاط شهری استان مازندران). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳(۳)، ۲۵۷-۲۸۲.
- زرنندی، مرجان؛ هاشمیان‌فر، علی و کیان‌پور، مسعود (۱۳۹۶). زنان و برساخت اجتماعی تعهد زناشویی: مطالعه موردی شهر اصفهان. *راهبرد فرهنگ*، ۱۰(۳۸)، ۱۶۳-۱۲۸.
- سالاری، اسماعیل؛ معین، لادن؛ سهامی، سوسن و حقیقی، حمید (۱۳۹۲). بررسی رابطه فرهنگ مردسالاری، همسان‌همسری، با تعارض زناشویی، در بین دبیران و پرستاران متاهل. *فصلنامه زن و مطالعات خانواده*، ۶(۱۹)، ۱۱۴-۹۵.
- شهریاری‌پور، رضا؛ نجفی، سمیرا؛ امین‌بیدختی، علی‌اکبر؛ رؤفی، مصطفی و مرادی، فرشاد (۱۳۹۶). نقش دینداری و مسئولیت‌پذیری در پیش‌بینی تعهد زناشویی دانشجویان. *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۶(۶۳)، ۱۴۵-۱۲۶.
- شیخ‌الاسلامی، علی؛ خداکریمی، شهلا و داداش‌زاده، مجید (۱۳۹۶). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس رضایت جنسی و سلامت معنوی: نقش میانجی مسئولیت‌پذیری. *دین و سلامت*، ۵(۱)، ۳۱-۲۱.
- صادقی، مسعود؛ قادری‌جاوید، سارا و شلانی، بیبا (۱۳۹۸). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس ویژگی‌های شخصیت، سبک‌های دلبستگی و جهت‌گیری دینی در دانشجویان متاهل. *پژوهش در دین و سلامت*، ۵(۳)، ۳۱-۲۲.
- عباسی مولید، حسین (۱۳۹۱). رابطه تعهد زناشویی با ارزش‌های فرهنگی زوجین: مطالعه موردی استان خراسان جنوبی. *فصلنامه علمی دانش نظامی خراسان جنوبی*، ۱۱(۱)، ۱۴-۷.
- فلاحی، محمدعلی و دلدار، فائزه (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر طلاق در استان‌های ایران با تاکید بر عوامل اقتصادی. *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۱۰(۳۴)، ۱۵۴-۱۳۶.
- قزلستقلو، مهدی؛ جزایری، رضوان‌السادات؛ بهرامی، فاطمه و محمدی، رحمت‌الله (۱۳۹۶). شناسایی عوامل موثر بر تعهد زناشویی از نظر زوج‌های ایرانی (یک مطالعه کیفی). *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۶(۶۳)، ۲۸-۵.
- گلدنبرگ، هربرت و گلدنبرگ، ایرین (۲۰۱۳). *خانواده‌درمانی (چاپ دوم)*. ترجمه مهرداد فیروزبخت (۱۳۹۶). تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ناموران‌گرمی، کبری؛ فرزاد، ولی‌اله؛ مرادی، علیرضا و زهراکار، کیانوش (۱۳۹۷). تعیین ابعاد صمیمیت زوج‌های ایرانی: یک مطالعه کیفی. *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۱۲(۴۲)، ۷۸-۶۱.
- Allen, E. S. & Baucom, D. H. (2004). Adult Attachment and Patterns of Extradyadic Involvement. *Family Process*, 43(4), 467-488.
- Amato, P. R. (2004). Studying marital interaction and commitment with survey data. *Journal of Marriage and Family*, 23(1), 53-70.
- Archuleta, K. L., Britt, S. L., Tonn, T. J., & Grable, J. E. (2011). Financial satisfaction and financial stressors in marital satisfaction. *Psychological Reports*, 108(2), 563-576.
- Dew, J. P. (2007). Two sides of the same coin? The differing roles of assets and consumer debt in marriage. *Journal of Family and Economic Issues*, 28(1), 89-104.
- Dew, J. P., & Xiao, J. J. (2013). Financial declines, financial behaviors, and relationship satisfaction during the recession. *Journal of Financial Therapy*, 4(1), 1-20.
- Dew, J., & Yorgason, J. (2010). Economic pressure and marital conflict in retirement-aged couples. *Journal of Family Issues*, 31(2), 164-188.
- Dew, J., LeBaron, A., & Allsop, D. (2018). Can Stress Build Relationships? Predictors of Increased Marital Commitment Resulting from the 2007-2009 Recession. *Journal of Family and Economic Issues*, 39(3), 405-421.
- Ellison, C. G., Henderson, A. K., Glenn, N. D., & Harkrider, K. E. (2011). Sanctification, stress, and marital quality. *Family Relations*, 60(4), 404-420.
- Harinie, L. T., Sudiro, A., Rahayu, M., & Fatchan, A. (2017). Study of the Bandura's Social Cognitive Learning Theory for the entrepreneurship learning process. *Social Sciences*, 6(1), 1-6.

- Lebaron, A. B., Curran, M. A., Li, X., Dew, J., Sharp, T., & Barnett, M. (2020). Financial Stressors as Catalysts for Relational Growth: Bonadaptation among Lower Income, Unmarried Couples. *Journal of Family and Economic Issues*, 41(1), 1-18.
- Minuchin, S., Baker, L., Rosman, B. L., Liebman, R., Milman, L., & Todd, T. C. (1975). A conceptual model of psychosomatic illness in children: Family organization and family therapy. *Archives of general psychiatry*, 32(8), 1031-1038.
- Scaramella, L. V., Sohr-Preston, S. L., Callahan, K. L., & Mirabile, S. P. (2008). A test of the Family Stress Model on toddler-aged children's adjustment among Hurricane Katrina impacted and nonimpacted low-income families. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 37(3), 530-541.
- Stanley, S. M., Rhoades, G. K., & Whitton, S. W. (2010). Commitment: Functions, formation, and the securing of romantic attachment. *Journal of Family Theory and Review*, 2, 243-257.
- Stewart, R. C., Dew, J. P., & Lee, Y. G. (2017). The association between employment- and housing-related financial stressors and marital outcomes during the 2007-2009 Recession. *Journal of Financial Therapy*, 8(1), 43-61.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی